



محسن پاک‌آیین

کارشناس مسائل بین‌الملل

نتانیاهو حداقل دارای پنج پیرونده خطرناک است که نه تنها در داخل فلسطین اشغالی مشکل جدی ایجاد کرده بلکه موجب کاهش حمایت متحدان اسرائیل در آمریکا و اروپا از او شده است. جزئیات این پیرونده‌ها اجمالاً به شرح زیر است.
نشست اطلاعات محرمانه از دفتر نخست وزیر اسرائیل که نشان از کم‌توجهی وی به آزادی اسرای اسرائیلی دارد، اولین پیرونده فساد سیاسی نتانیاهو است. اطلاعات محرمانه در خصوص آزادی اسرای اسرائیلی و طرح آتش بس حماس، تأیید می‌کند که هدف نتانیاهو از ادامه نسل‌کشی در غزه و مخالفت با آتش بس، بقای خود و ماندن بر سر قدرت است. چهار مظنون که در همراه توسط عوامل امنیتی و قضائی اسرائیل بازداشت شدند اعتراف کردند که با هدف تأیید سیاست‌های نتانیاهو، اطلاعات غلط به مقامات اسرائیلی و افکار عمومی منتقل کرده‌اند. برای مثال «البرز فلدشتاین» از افراد نزدیک و مورد اعتماد نتانیاهو که از اوایل جنگ به عنوان سخنگو در دفتر وی استخدام شده بود متهم است که با سوء استفاده از اطلاعات محرمانه ارتش، سعی داشته افکار عمومی اهالی اسرائیل را به نفع نتانیاهو هدایت کند. این در حالی است که منتقدان، نتانیاهو را متهم می‌کنند که تلاش برای بازگرداندن اسرا را متوقف کرده و برای حفظ منصب نخست‌وزیری، جنگ در غزه را طولانی کرده و به لبنان نیز گسترش داده است. پیرونده دوم نتانیاهو درباره تلاش برای تغییر پروتکل‌ها و اسناد مرتبط با جنگ غزه، با هدف تأثیر گذاشتن بر تحقیقات رسمی در خصوص شکست‌های هفتم اکتبر است. در حالی که چندین ماه است که تحقیقات جنایی مربوط به وقایع آغاز جنگ در غزه از سوی نهادهای امنیتی و قضائی، آغاز شده، بیانیه واحد جنایات سنگین پلیس اسرائیل می‌گوید بر اساس اعتراضات مظنونا، دستکاری در متون صورت جلسه‌های کابینه رژیم صهیونیستی توسط دفتر نتانیاهو محرز شده است. در این جلسات برخی از کارشناسان، احتمال وقوع جنگ از سوی حماس علیه اسرائیل را به نتانیاهو اطلاع داده بودند، اما او با خوش بینی این دلایل را رد کرده و گفته است حماس جرات حمله به اسرائیل را ندارد. متون صورت جلسه‌های کابینه قبل از دستکاری، چنانچه برای تکمیل تحقیقات جنایی در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گرفت، نتانیاهو به اتهام کوتاهی در توجه به پیش‌بینی کارشناسان از وقوع عملیات طوفان الأقصى، محاکمه می‌شد. بخشی از پروتکل‌ها یا متون صورت جلسات، راجع به ضرورت آمادگی‌های حساس برای یک رویداد مهم بوده که عدم توجه به آنها، موجب غافلگیری و شکست عوامل اطلاعاتی اسرائیل پس از وقوع عملیات هفتم اکتبر شده است. این اسناد به عنوان مقدمه انجام تحقیقات احتمالی درباره علل این شکست‌ها که منجر به وقوع و طولانی‌شدن جنگ شد، جمع‌آوری و در اختیار قوه قضائی اسرائیل است. پیرونده سوم درباره تلاش افرادی در دفتر نتانیاهو است که با یک ویدئوی شرم‌آور برای دستیابی به اطلاعات محرمانه نظامی، یک افسر ارشد نظامی را تحت فشارگذاشته‌اند. رسوایی باج‌خواهی از افسر ارتش که احتمالاً با ۲ پیرونده پیشین مرتبط باشد نشان می‌دهد که به دستور نتانیاهو، جاسوس‌هایی در داخل ارتش اسرائیل گمارده شده‌اند تا اسناد بسیار محرمانه را به سرقت برده و به دفتر نخست وزیر منتقل و بعد از دستکاری، به منظور ارائه روایت‌های مورد نظر نتانیاهو، در رسانه‌ها منتشر کنند. رسوایی درز اسناد حساس ارتش رژیم صهیونیستی و باج‌خواهی از یک افسر عالی رتبه، نشان از تقابل پنهان دولت رژیم اشغالگر با ارتش این رژیم است که در عین حال نتانیاهو را در معرض محاکمه و مجازات قرار داده است. رسانه‌های عبری از جمله روزنامه معاریو و شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل در افشای جزئیات موضوع نداشتند که ۲ مسؤل دفتر نتانیاهو یک سند شخصی شرم‌آور از روابط جنسی – که به نظر یک عکس است – را به افسر ارشد ارتش اسرائیل نشان داده و او را مجبور به جاسوسی برای نخست وزیر کردند. پیرونده چهارم نتانیاهو در خصوص ویدئویی که «یوآو گالات» وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی است که نشان می‌دهد نگهبانان از ورود او به جلسه محرمانه‌ای مربوط به جنگ غزه در دفتر نتانیاهو ممانعت کرده‌اند. فیلم‌هایی که توسط دوربین‌های امنیتی در مقر وزارت جنگ گرفته شده نشان می‌دهد در تاریخ ۱۱۲ اکتبر ۲۰۲۳، گالات بنا به دعوت نتانیاهو برای شرکت در نشست کابینه امنیتی به مقر این وزارتخانه می‌رود، اما اجازه حضور در جلسه پیدا نمی‌کند. روزنامه عبری زبان بدیعوت آحارونوت نیز به نقل از نزدیکان نتانیاهو فاش کرد که گالات در روزهای بعد از آغاز عملیات طوفان الأقصى با نیروهای امنیتی دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی دست به یقه شده بود. در گزارش روزنامه آحارونوت آمده که نتانیاهو عمداً قصد تحقیر وزیر جنگ سابق را داشته است. این اتفاق نشان از اختلافات درونی کابینه و همچنین دولت جعلی اسرائیل با ارتش این رژیم دارد و علت برکناری گالات را مشخص می‌سازد. غیر از این پیرونده‌ها که مربوط به بعد از عملیات طوفان الأقصى است، پیرونده جنجالی نتانیاهو به اتهام کلاهبرداری، دریافت رشوه و خیانت در امانت، مربوط به چند سال قبل نیز کماکان مفتوح است. رسیدگی به این پیرونده آن قدر اهمیت دارد که دیوید اسلام، از نمایندگان حزب لیکود آن را مهم‌تر از آزادی اسرا دانسته و می‌گوید: «جنگ؟ گروگان‌ها؟... نه، نه. الان مهم‌ترین مساله از سرگیری محاکمه نتانیاهو است.» کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که پیرونده‌های تحلفات مالی و امنیتی نتانیاهو ممکن است دونالد ترامپ را نسبت به حمایت از وی، دچار تردید کند، چراکه حمایت از نتانیاهو، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا را در مقابل افکار عمومی اسرائیل و همچنین نیروهای نظامی و امنیتی این رژیم قرار خواهد داد. به این دلایل است که «اران یاشیف» نویسنده روزنامه اسرائیلی «هاآرتس» معتقد است: «ترامپ حتماً از حمایتش از نتانیاهو عدول خواهد کرد به این دلیل که نتانیاهو قطعاً به دلیل فساد محاکمه خواهد شد و آینده روشنی برای نخست‌وزیر راستگرای اسرائیل متصور نیست».

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فشار حداکثری ترامپ

باعث رویش‌های جدیدی

برای ایران خواهد شد



ایران و آمریکا می‌توانند در موضوعات خاص با هم مذاکره کنند

ترامپ مصالحه با چین، روسیه و ایران را در پیش خواهد گرفت

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا ترامپ نسبت به گذشته تغییر کرده است؟ آیا این احتمال وجود دارد که او دوباره دنبال اعمال فشار حداکثری به ایران باشد و اگر چنین باشد آیا نتیجه‌ای برایش خواهد داشت یا مانند دوره قبل ایران می‌تواند از دام فشار بگریزد؟ در سوی دیگر ترامپ در معادلات و تنش‌های منطقه خاورمیانه چه نقشی ایفا خواهد کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با غلامعلی دهقان استاد دانشگاه و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده‌است. دهقان در این زمینه معتقد است: «در شرایط کنونی و پس از شش سال از فشار

ترامپی که در سال ۲۰۲۴ با قدرت رسیده، نسبت به دوران گذشته ریاست جمهوری‌اش چه تغییری در سیاست‌های خود خواهد داد؟

ترامپ در حالی بازی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ را برد که تأکید وی بر شعار و راهبرد اول آمریکا نیازمند لوازم و ضروریاتی است. مهم‌ترین این لوازم عدم دخالت گسترده آمریکا در دیگر نقاط دنیاست؛ برای مثال، وی باید کمک‌های نظامی آمریکا را به کشورهای دیگر دوست آمریکا که اتفاقا درگیری نظامی هم دارند کاهش دهد و از سوی دیگر رویکرد وی را هبرد تنش‌زدایی باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد اگر ترامپ بخواهد کمک‌های خود به اوکراین و اسرائیل را رافع کرده و یا کاهش دهد، با مخالفت‌های جدی در آمریکا روبه‌رو خواهد شد. حتی دوری جستن از سیاست‌های تنش‌زا در خاورمیانه از سوی ترامپ کار آسانی نیست، چراکه وی باید مصالحه با کشورهای مثل روسیه، چین و ایران را در پیش گیرد و این مستلزم دادن امتیاز خواهد بود. به همین دلیل اولین پرسشی که ترامپ با آن مواجه می‌شود این است که آیا او تا آخر بر روی شعار اول آمریکا و لوازم آن می‌ماند یا نه؟

گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای حکایت از تکرار سیاست فشار حداکثری برای کشاندن ایران به پای میز مذاکره دارد. این سیاست به چه میزان می‌تواند ترامپ را به اهداف خود نزدیک کند؟

آقای ظریف در اولین واکنش به انتخاب ترامپ گفت که وی باید چرتکه ببندد؛ز، سود و زیان فشار حداکثری بر ایران در دور اول را بسنجد که نتیجه آن رسیدن ایران به ابروانیوم ۶۰ درصدی بود. من معتقدم این سخن درستی است که حاکم جدید کاخ سفید باید آن را به‌خوبی درک کند. علاوه بر این، ترامپ و حامیان همراه وی امثال مایک پمپئو نباید شرایط ۱۲گانه‌ای را که به عنوان پیش‌مقدمه مذاکرات در سال ۱۳۹۷ داشتند را فراموش کنند. به خصوص تأکید بر عدم همراهی ایران با گروه‌های نیابتی و یا به‌عنوان بهتر گروه‌های مقاومت در برابر اسرائیل و همچنین کاهش فعالیت‌های موشکی ایران. این در حالی است که در شرایط کنونی و پس از شش سال از فشار حداکثری، ایران از چنان قدرت موشکی برخوردار است که دو بار موشک‌های خود را از پادفند اسرائیل عبور داد؛ اتفاقی که در محافل نظامی و امنیتی بسیار مورد توجه قرار گرفت و همین روزها هم رزمه‌هایی درباره آزمایش موشک با پیما هم شنیده می‌شود. علاوه بر این باید توانمندی گروه‌های مقاومت منطقه در برابر اسرائیل را نیز اضافه کرد که یکی مثل حماس پس از قتل و جنایت بی‌رحمانه اسرائیل همچنان فعال است، تحرک دارد و از آن مهم‌تر هنوز ۱۰۱ اسیر اسرائیلی را در اختیار دارد و دیگری یعنی حزب... لبنان ضربات کاری بر ارتش اسرائیل وارد آورده و در برابر تهاجم تمام‌قدرتش دشمن در جنوب لبنان همچنان مقاومت می‌کند. همچنین اضافه شدن حوثی‌های یمن به مقاومت منطقه هم در این دوره فشار حداکثری رخ داده است. بنابراین، در صورت پذیرش طرح دوباره فشار حداکثری از سوی ترامپ علیه ایران نه تنها وی دوباره شکست خواهد خورد که پس از چندی شاهد رویش‌های جدید و خلاقیت‌های هرچه بیشتر برای ایران و حامیان منطقه‌ای او خواهیم بود.

انتشار خبر دیدار ایلان ماسک با سفیر ایران در سازمان ملل ناظران را متعجب کرد و برخی را در بهت و

رسول منتجب‌نیا در اولین کنگره استانی حزب جمهوریت در استان یزد اظهار امیدواری کرد که این گام مؤثر و ارزشمندی در جهت میل به آرمان‌های انقلاب و در جهت دفاع از حقوق عمومی جامعه و فراهم کردن فضای سیاسی، فرهنگی، گفت‌وگو و تعامل و تفاهم در جامعه باشد. وی در ادامه با اشاره به موضوع جلسه و شرایط کنونی کشور گفت: سخنان من درباره حزب است. امروز شرایط مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی به وجود آمده و امیدواریم خداوند به آقای پزشکیان و مجموعه ایشان توفیق بیشتر عنایت کند تا شرایط برای تحقق بخشی از خواسته‌های ملت ایران فراهم شود. همه شاهد هستیم که در سال‌های گذشته فضایی به وجود

آرمان ملی- احسان انصاری: آیا ترامپ نسبت به گذشته تغییر کرده است؟ آیا این احتمال وجود دارد که او دوباره دنبال اعمال فشار حداکثری به ایران باشد و اگر چنین باشد آیا نتیجه‌ای برایش خواهد داشت یا مانند دوره قبل ایران می‌تواند از دام فشار بگریزد؟ در سوی دیگر ترامپ در معادلات و تنش‌های منطقه خاورمیانه چه نقشی ایفا خواهد کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با غلامعلی دهقان استاد دانشگاه و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده‌است. دهقان در این زمینه معتقد است: «در شرایط کنونی و پس از شش سال از فشار

تروورهای اسرائیل در دهه‌های ششم و هفتم قرن بیستم میلادی نه‌تنها از شدت مبارزات نکاست بلکه ما شاهد انتفاضه اول در دهه هشتم قرن بیستم میلادی و به دنبال آن، انتفاضه دوم بودیم

حیرت فرو برد. این خبر با واکنش‌های متعدد روبه‌رو شد و در نهایت توسط وزارت خارجه با تأخیر تکذیب شد. این وجود این خبر گمانه‌زنی‌های متعددی را درباره نوع ارتباط ایران و ترامپ به وجود آورده است. دیدگاه شمار در این زمینه چیست؟

صرف نظر از تکذیب این دیدار، باید به یاد داشت که دیدارهایی از این نوع طی ۴۶ سال گذشته میان ایران پس‌انقلاب ۱۳۵۷ با مقامات آمریکایی مسبوق به سابقه است. با جمع‌بندی تاریخچه این دیدارهای می‌توان گفت این نوع تلاش‌ها بیشتر از آنکه به یک مصالحه دائم تبدیل شود، تلاشی بوده است برای حل‌وفصل برخی از حوادث غیرمتربقه و جلوگیری از شکل‌گیری بحران‌های بزرگ‌تر که می‌توانسته رابطه دو کشور را به تخصصی حادثر بکشاند و یا اینکه هدف حل‌وفصل یک موضع مقطعی بوده است. آنچه که در ۴۶ سال گذشته روشن شده، در کنار زیاده‌خواهی‌ها و خلف وعده‌های آمریکایی‌ها، این است که تفاوت دیدگاه‌ها و ساختار فکری دو طرف ماجرا آنقدر از هم دور است که تقریباً نزدیک شدن به هم ممکن نیست. در این وضعیت لازم است تنش‌ها مدیریت شود تا تخصص و مواجهه به سطح غیرقابل کنترل نرسد و باید بیشتر به این بیندیشند که وارد رویارویی نظامی گسترده نشوند. حالا دیگر از اسناد منتشر شده روشن است که دیدارهای مقامات آمریکایی در سال اوگی‌گیری انقلاب با دست‌اندرکاران انقلاب در آن سال‌ها، به خاطر این بوده که تغییر و تحولات به گونه‌ای اتفاق بیفتد که کمترین هزینه را برای دو طرف داشته باشد. دقت در خاطرات آن سال‌ها مبین این نکته است. دیدارهای ژنرال هایزر آمریکایی با مرحوم بازگان و عبدالکریم موسوی اردبیلی و همچنین با شهید بهشتی نشان می‌دهد هدف هر دو طرف گفت‌وگو چیزی جز جلوگیری از وخامت اوضاع نبوده است. در قضیه معروف مک‌فارلین هم نتیجه مذاکرات آزادی برخی گروگان‌های آمریکایی از جمله تری ویت کشیش آمریکایی در لبنان بود و ایران هم توانست مطالبات خود را به آمریکایی‌ها تحمیل کند و نیازهای فوری خود را برطرف سازد. برخلاف مذاکرات پشت پرده قبلی در سال ۱۳۵۷ دیگری دموکرات نبود بلکه یک رئیس‌جمهور جمهوریخواه به نام ریگان در کاخ سفید بود. مذاکرات مک‌فارلین در حد همان بده و بستان تسلیحاتی و آزادی چند گروگان آمریکایی در لبنان جلوتر نرفت و مخالفتی توسعه روابط در هر دو کشور را به افشاگری هر چه بیشتر کشانید. در ادامه بازمه شاهد چنین مذاکراتی بوده‌ایم که موفقیت‌آمیز بود. با این وجود این مذاکرات بازمه موردی و حول موضوعات مورد توافق و جزئی بوده، مثل قضایای افغانستان و عراق پس از یازده سپتامبر که هر دو کشور به

درخواست یک اصلاح‌طلب از پزشکیان و عارف

آمد که بسیار تنگ‌نظرانه بود و بنده خیلی متأسف می‌شدم که چرا باید سرانجام کشور و مردم به اینجا برسد. این فعال سیاسی ادامه داد: چندین بار به آقای پزشکیان گفتم که خوب است کاری کنیم که مردم شیرینی این پیروزی را بچشند و خدای ناکرده تبدیل به تلخی نشود. متأسفانه نه‌تنها در کشور ما درباره تحرز تلاش مناسبی صورت نگرفته بلکه برخی جوسازی‌ها باعث شده است که تفکرات نادرستی در بدنه جامعه درباره حزب ملت ایران فراهم شود. همه شاهد هستیم که در سال‌های گذشته فضایی به وجود



حداکثری، ایران از چنان قدرت موشکی برخوردار است که دو بار موشک‌های خود را از پدافند اسرائیل عبور داد؛ اتفاقی که در محافل نظامی و امنیتی بسیار مورد توجه قرار گرفت و همین روزها هم رزمه‌هایی درباره آزمایش موشک قاره‌پیما هم شنیده می‌شود. بنابراین در صورت پذیرش طرح دوباره فشار حداکثری از سوی ترامپ علیه ایران نه تنها وی دوباره شکست خواهد خورد که پس از چندی شاهد رویش‌های جدید و خلاقیت‌های هرچه بیشتر برای ایران و حامیان منطقه‌ای او خواهیم بود. در ادامه ما حاصل این گفت‌وگوماری خوانید.

جهت اشتراک منافع در ضدیت با طالبان و رژیم صدام در عراق موضع واحدی داشتند. بازمه در ادامه در قضیه معروف به بگرام مذاکرات اولیه در عمان در سال ۱۳۹۱ مذاکرات موردی و مربوط به موضوع هسته‌ای بود. در قضیه اخیر و دیدار تکذیب شده هم می‌توان تصور کرد که اگر صحت داشته باشد، هدف بار دیگر موردی و تنها جلوگیری از ترازع و تنش بیشتر بوده و لاغیر. هرچند خود همین هم مثل موارد قبلی می‌تواند مثبت در نظر گرفته شود و نشان از حکمت و مصلحت دارد، حتی اگر برخی درک نکنند.

در حالی که تنش در منطقه بیشتر شد و شاهد رویارویی نظامی هم بوده‌ایم، به نظر شما ترامپ چه نقشی در این معادلات ایفا خواهد کرد؟

اسرائیل بیشتر از همیشه مطرود و منور شده است. تحقیری تاریخی که نتیجه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق طبیعی انسان‌هاست. اسرائیل در شرایط غیر عادی قرار دارد و همانند گریه‌ای در سه کنج گرفتار شده و برای همین هم برای همگان شاخ و شانه می‌کشد. در این شرایط باید با درک درست از مقتضیات زمان و دور از احساسات و هیجانات عمل کرد و حتی راهبرد ضرر کمتر را به‌ضرر بیشتر ترجیح داد. امام خمینی حفظ نظام را واجب واجبات می‌دانست و در همین راستا، ترجیح داد با همه سختی‌ها و برخلاف میل خود بر اساس واقعیت‌های جنگ ضرر کمتر یعنی قطعه‌نامه ۵۹۸ را بپذیرد و این کار را به‌ضرر بیشتر یعنی ادامه جنگ ترجیح دهد. رویه بنیانگذار جمهوری اسلامی برای همیشه ماندگار خواهد بود تا همواره بر این نکته تأکید کند که حفظ نظام اولویتی غیرقابل خدشه است. رویکرد حکیمانه مقام معظم‌رهبری نشان داد هرچند سیر حوادث لبنان دردناک است اما رویکرد حفظ نظام بر هر رویکرد دیگر ترجیح دارد. به همین دلیل در شرایط کنونی مثلث عزت، حکمت و مصلحت را باید باهم دید. در ماه‌های اخیر اسرائیل تروور مخالفان را در دستور کار خود قرار داده است. این در حالی است که تجربه پیشین اسرائیل نشان می‌دهد تاکنون نه‌تنها این روش یعنی تروور مخالفانش باسختگو نبوده بلکه روزبه‌روز و سال به سال مبارزات فلسطینی‌ها بیشتر حالت توده‌ای به خود گرفته است. تروورهای اسرائیل در دهه‌های ششم و هفتم قرن بیستم میلادی نه‌تنها از شدت مبارزات نکاست بلکه ما شاهد انتفاضه اول در دهه هشتم قرن بیستم میلادی و به دنبال آن، انتفاضه دوم بودیم که نتیجه همه اینها منجر به خروج اسرائیل از غزه در دوره آریل شارون در اوایل دهه اول قرن ۲۱ و سپس شدت گرفتن و ادامه مبارزات با شکل‌گیری حماس در سرزمین‌های اشغالی شد که منجر به قضیه ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ گردید و موضوع فلسطین ابعاد بین‌المللی هرچه بیشتر پیدا کرد و حتی به موضوع اول بخش قابل توجهی از دانشجویان آمریکایی هم تبدیل شد. بنابراین تروور نمی‌تواند مشکلات عیدیه اسرائیل را حل کند و راه حل آن از طریق دیدن واقعیت‌ها و مصالحه با فلسطینی‌ها شکل‌یک کشور فلسطینی است. تروور برای اسرائیل بیشتر حکم یک داروی مسکن را دارد و حلال مشکلاتش نیست. اگر تروور رهبران مخالف اسرائیل در گذشته توانست جلو حرکت مبارزات مردم فلسطین را بگیرد، این بار هم تروور چاره‌ساز است در حالی که این‌گونه نبوده است.

که در یک جامعه است می‌تواند بدون اندیشه سیاسی با فعالیت و تحلیل سیاسی زندگی کند؟ قطعاً نمی‌تواند. لذا حزب باید جوانان را جذب کند و آن‌ها را آموزش دهد. من خیلی متأسفانه از جناب آقای دکتر پزشکیان و آقای دکتر عارف می‌خواهم که سیستمی را برای آموزش و پرورش جوان‌ها راه بیندازند. البته دستگاه برای این کارها زیاد داریم مانند سازمان جوان‌ها و... اما از این‌ها آن نتیجه‌ای که مدنظر است، حاصل نمی‌شود. نباید احزاب تقویت شوند تا جوانان را جذب کنند. دولت می‌تواند احزاب را مکلف کند که در طرف مدت مشخصی تعدادی جوان را آموزش داده باشند. چنین کاری می‌تواند مشکل کمبود نیرو در نظام را نیز حل کند.

تلنگر

کینه جبهه پایداری از ظرفی؟

یک نقطه اشتراک داغ!

تابعیت قهری فرزندان ظریف بهانه‌ای برای جریان‌ی ایجاد کرده تا به هر نحو ممکن تلاش کنند او را حذف کنند، اما آیا واقعا مساله آنها تابعیت فرزندان محمد جواد ظریف است؟ چرا در شرایطی که ایران از حمله وعده صادق ۳ حرف می‌زند و اسرائیل از پاسخ به حملات، در شرایطی که وضعیت بازارهای سرمایه و کالاهای اساسی معیشت مردم را تنگ کرده، یک جریان خاص هیچ دغدغه‌ای در این زمینه ندارد و تمام وقت و انرژی خود را برای حذف ظریف حراج می‌کند؟ چرا در مقطع کنونی دشمنان داخلی و اسرائیلی ظریف به یک تقاطع رسیدند؟ ۲۰۷ نفر از نمایندگان مجلس با فوریت بررسی لایحه دولت برای اصلاح قانون «انتصاب اشخاص به مشاغل حساس» مخالفت کردند. این نمایندگان که اتفاقاً به تازگی سهم خودشان را از دولت وفاق با انتصاب استانداران کاملاً همسو با خود دریافت کرده بودند، در این زمینه در کنار تندروهای مجلس قرار گرفتند. حالا قرار است به زودی اصل طرح به بررسی و رای مجلس گذاشته شود. این موضوع از دو منظر داخلی و خارجی قابل بررسی است.

مخالفت شخصی باظریف

واقعیت این است که تمرکز جریان داخلی مخالف دولت بر روی ظریف هم ریشه در مخالفت شخصی با او دارد هم پایه در مخالفت باتفکر او. بعد از خروج دولت روحانی از پاستور، در فواصل سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ ظریف کاملاً در سکوت قرار داشت. اما از سال گذشته بحث‌های خود را با یک نشست در کلاب هائوس آغاز کرد و حضورش در رسانه‌ها را گسترش داد. تاجایی که جریان مدافع رئیسی به شدت نگران بود که ظریف قصد حضور در انتخابات را داشته باشد، اما ظریف بااحتناوباً شدت حضورش در انتخابات را تکذیب کرد. با این حال مساله حضور او در رسانه‌ها برای آنها قابل حل نبود. از جمله، سایت «فردا نیوز» نزدیک به قالیباف در تحلیلی نگرانی خود را از احتمال فعالیت‌ظریف‌های انتخابات مجلس بیان کرد. به اعتقاد آنها که زمان نشان داد تا چه اندازه غلط بود) ظریف برای بازگشت لاریجانی به مجلس در حال فعالیت است. انتخابات مجلس برگزار شد و به ابتدای سال ۱۴۰۳ رسیدیم. با سقوط هلی کوپتر سیدابراهیم رئیسی شرایط اما به‌طور کامل تغییر کرد. با تأیید صلاحیت پزشکیان، ظریف تمام‌قدر در حمایت از او وارد میدان شد و شهر به‌شهر برای جمع کردن رای برای او سفر کرد. وقتی نتهاده دقیقه فرصت پیدا کرد در یکی از برنامه‌های تلویزیونی به همراه پزشکیان حاضر شود، پاسخ قاطعش را به همه تخریب‌های دوسال قبل داد. در نهایت هم، عملکرد او ستاد‌های پزشکیان «تیم برنده» را ساخت و پزشکیان را رئیسی به ساختمان ریاست جمهوری رفت. حالا اما برای جریان رقیب وقت انتقام بود. صرف نظر از انتقام انتخابات گذشته آنها احساس می‌کنند ممکن است ظریف در آینده نیز دارای پتانسیل‌هایی باشد. از همین رو تلاش می‌کنند تا او را به هر ترتیب ممکن از پاستور دور کنند.

مخالفت گفتمانی

جریان نوپایداری (شریان و امنا) در مجلس البته از زاویه دیگری هم دنبال حذف ظریف هستند. از نگاه آنها ظریف در نقطه مقابل تفکر سعید جلیلی و مجموعه نوپایداری قرار دارد. تجربه در سه انتخابات ۹۶، ۹۷ و ۱۴۰۲ به آن‌ها ثابت کرده که هرگاه گفتمان تعامل‌گرا با جهان – که محمد جواد ظریف نماینده آن است – در عرصه انتخابات حضور داشته، رقابت را واگذار کرده‌اند. تحلیل آنها این است که تا وقتی تفکر برجامی ظریف در ایران نفس می‌کشد، مردم اقبالی به تفکر جلیلی نخواهند داشت. بنابراین راه حل‌شان تقویت گفتمان جلیلی نیست، بلکه حذف تفکر ظریف است. از نگاه این‌ها پوشش‌شان در نبودن تفکر ظریف تعریف می‌شود. لذا اتمام حیثیت خود را برای حذف او از هر منصبی در دولت به میدان آورده‌اند، حتی اگر این منصب پستی تشریفاتی باشد.

همگرایی عجیب

مخالفتان اینها تنها به مخالفان داخلی او محدود نمی‌شود. او مخالفانی قدرتمند هم در جهان و منطقه دارد، به ویژه تفکر جریان نتانیاهو در تل‌آویو. ظریف تنها کسی بود که طی دو سال گذشته با مصاحبه و کتاب و مقالات نشان داد پروژه امنیتی‌سازی پیرونده هسته‌ای ایران، یک پروژه اسرائیلی است که با همکاری کانون‌های مالی و سیاسی در آمریکا اجرایی شده و می‌شود. از سوی دیگر اسرائیل ظریف را – همچون جریان رقیب داخلی – معمار برجام می‌داند. برجامی که آمده بود تا علاوه بر رفع تحریم‌ها پیرونده هسته‌ای ایران را عادی‌سازی کند. روندی که تا آمدن ترامپ و برجام خوردن برجام با تلاش‌های نتانیاهو از خارج و مخالفان داخلی برجام، برقرار بود. حالا حذف ظریف برای هر دو دسته از جنبه‌های گوناگون سودمند و البته جزو اولویت برنامه‌ها قرار گرفته است. واقعیت این است که میان تندروهای داخلی و جریان نیستی در تل‌آویو بر سر حذف ظریف همصدایی عجیبی مشاهده می‌شود که قابلیت واکاوی بیشتری دارد.